

# اتحادیه اروپا بلوک جدید سیاسی و اقتصادی

حسن فتحی

و بار دیگر جهان قدم به عصر دو قطبی خواهد گذارد.  
البته دوران دو قطبی جدید با دورانی که آمریکا و شوروی پس از جنگ دوم جهانی نبض قدرت و سیاست جهان را در دست داشتند متفاوت خواهد بود.

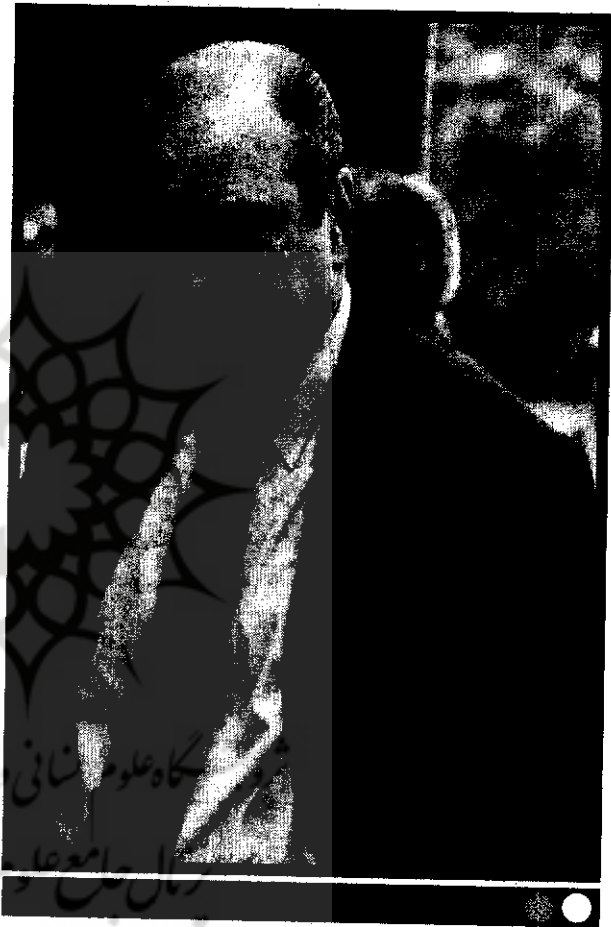
جهان همواره دارای ۲ یا چند قطب قدرت بوده و کشورها و جوامع کوچک و ضعیف معمولاً وابسته به این قطب های قدرت و ثروت بوده اند.  
پس از پیروزی انقلاب فرانسه با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت، این کشور انقلابی با پیروزیهایی که در

میادین نظامی بدست آورد نقش یک ابرقدرت را ایفا کرده و در جهان محدود آن زمان به تنها ابرقدرت تبدیل شد. ولی با شکست ناپلئون و زوال قدرت او، شرایط تغییر کرد تا این که قبل از جنگ اول جهانی و خصوصاً در فاصله دو جنگ بین الملل، فرانسه و انگلیس که قدرت های برتر استعماری نیز بشمار می رفتند تبدیل به دو قطب جهانی شدند.

اگر چه در آن زمان انگلیس و فرانسه قطب های قدرت بشمار می رفتند اما با وجود رقابتی که بین آنها وجود

داشت دشمن همدیگر نبوده و این رقابت حالت تخریبی نداشت. در آن دوران آلمان سعی می کرد مستعمراتی در اقصی نقاط جهان بدست آورده و به رقیبی برای فرانسه و انگلیس تبدیل شود. در همین راستا، آلمان دست دوستی به سوی امپراتوری اتریش - مجارستان و عثمانی دراز کرد. اما جنگ اول جهانی که با سقوط و فروپاشی امپراتوری های تزارها در روسیه، آلمان، عثمانی و اتریش - مجارستان همراه بود به نفع فرانسه و انگلیس تمام شده و این دو کشور را به قدرت های بلامنازع تبدیل کرد.

در فاصله دو جنگ با رشد فاشیسم در آلمان، ایتالیا و ژاپن و تثبیت قدرت کمونیست ها در شوروی که توسط استالین صورت گرفت موقعیت فرانسه و انگلیس به خطر افتاد. در نهایت جنگ دوم جهانی ضربه نهایی را به این دو قدرت استعمارگر وارد آورده و به آنها را قدرت های دست چندم تبدیل کرد زیرا این جنگ که با موفقیت شوروی و آمریکا و تبدیل آنها به دو قدرت اتمی همراه بود جغرافیای سیاسی جهان را تغییر داده و اروپا را دچار بحران کرد تا حدی که اگر "مارشال" وزیر خارجه وقت آمریکا با طرح خود به داد اروپا نمی رسید این منطقه یا تحت سلطه و نفوذ کمونیست های روسی قرار می گرفت که با ارتش سرخ تا قلب اروپا پیش آمده و کشورها و سرزمین های بسیاری را به اشتغال در آورده بود و یا این که به دلیل حجم عظیم ویرانی ها و خسارات



اتحادیه اروپا از اول ماه مه، با پذیرش ۱۰ عضو جدید که برخی از آنها سال ها در پشت دیوار آهنین کمونیسم روسی قرار داشتند به یک قدرت و قطب بزرگ اقتصادی و سیاسی تبدیل شد که می تواند با حرکت در جهت استقلال و رهایی از وابستگی به آمریکا، قطب جدیدی را در جهان پدید آورد.  
اگر چه واشنگتن از حرکت اروپا در جهت استقلال نظامی و سیاسی چندان راضی نیست ولی حرکتی که این اتحادیه آغاز کرده در صورتی که با انسجام و هماهنگی کلیه اعضا همراه باشد می تواند آن را به یک ابر قدرت جدید تبدیل کند که در این صورت دوران تک قطبی و آمریکا سالاری در جهان خاتمه یافته

مجدداً وابستگی به مسکو را تجربه کنند و عضویت در ناتو و اتحادیه اروپا را پایگاهی برای خود در قبال تهدیدات احتمالی روسیه می دانستند توجهی به این اعتراض ها نکرده و در نهایت از اول ماه مه با پذیرش عضویت ۱۰ کشور که عمدتاً در شرق اروپا بودند به اتحادیه اروپا این اتحادیه رسماً وارد حیات خلوت روسیه شده و به یک ابرقدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل شد.

نگاهی به روند پیوستن کشورها به اتحادیه اروپا و در حقیقت چگونگی گسترش آن بیانگر این واقعیت است که این اتحادیه در سال جاری (۲۰۰۴) عملاً قدم به شرق اروپا گنارده و از غرب و مرکز قاره سبز فزاینده است. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۷۳ دانمارک، انگلیس و ایرلند جنوبی را به عضویت پذیرفت. در حالی که فرانسه تمایل چندانی به عضویت انگلیس در



بازار مشترک اروپا نداشت. در سال ۱۹۸۱ یونان عضویت این اتحادیه را پذیرا شد در حالی که ترکیه رقیب اصلی این کشور می باشد نسبت به وضعیت یونان در اتحادیه معترض بود. اگر چه ترکیه که با وجود عضویت در ناتو هنوز نتوانسته رضایت اتحادیه اروپا را با پذیرفتن این کشور در جمع خود پذیرا باشد به تلاش های خود ادامه داده، اما موانع بسیاری بر سر راه او وجود دارد که اوضاع قبرس و مخالفت های آن و برخی از اعضای با نفوذ اتحادیه اروپا سبب گردیده آنکارا در پشت دروازه این اتحادیه متوقف شود.

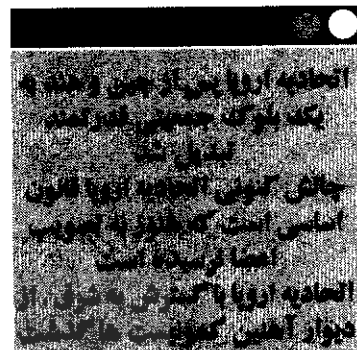
پس از یونان، نوبت به اسپانیا و پرتغال رسید که در سال ۱۹۸۶ راه برای

ناشی از جنگ، قادر به نوسازی نبوده و ناگزیر به تجربه کردن دوران سخت اقتصادی و سیاسی بود.

هر چند کشورهای شرق اروپا که در پشت دیوار آهنین قرار گرفته و توسط کمونیست های وابسته به کرملین اداره می شدند، از پذیرش کمک های آمریکا در قالب طرح مارشال خودداری کردند اما غرب اروپا با دریافت این کمک ها قدم به دوران نوسازی و بازسازی گنارده و خود را احیا کرد.

جنگ سرد دو ابرقدرت که رقابت بین مسکو و واشنگتن را تشدید کرد نقش به سزایی در احیای غرب اروپا و عقب ماندگی شرق قاره سبز داشت. در آن دوران دو ابرقدرت با ابزاری که در دست داشتند سعی در نفوذ در منطقه تحت سلطه طرف مقابل داشتند و با این که کشورهای وابسته به خود را تقویت کرده و مانع شکل گیری و تحقق

توطئه های ابرقدرت رقیب می شدند.



اروپا کانون و صحنه اصلی رویارویی دو ابرقدرت بوده و آلمان که به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده بود مرز جنگ سرد بشمار می رفت.

آمریکا برای تقویت جناح خود در اروپا اقدام به ایجاد دو

اتحادیه و نهاد سیاسی، نظامی و اقتصادی به

نام های پیمان نظامی آتلانتیک شمالی ( ناتو ) و بازار مشترک اروپا نمود. در طرف دیگر که شوروی و رژیم های کمونیستی شرق اروپا قرار داشتند نیز پیمان نظامی ورشو و اتحادیه نظامی کومکون شکل گرفت.

هر چند در ناتو و بازار مشترک اروپا، کشورهای عضو از آزادی عمل نسبی برخوردار بودند اما در پیمان ورشو و کومکون که قدرت در دست روس ها بود هیچ انعطافی وجود نداشت. در این رابطه می توان به مخالفت های فرانسه با برخی برنامه ها و سیاست های ناتو و یا حمله ارتش های عضو ورشو به چکسلواکی برای در هم کوبیدن طغیان مردم این کشور اشاره کرد. این موارد نشان دهنده تفاوت برخورد در این دو مجموعه می باشد.

فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ که با سقوط رژیم های کمونیستی شرق اروپا همراه بود سبب از بین رفتن اتحادیه های نظامی ورشو و کومکون گردید.

در این شرایط که در شرق اروپا همه چیز در حال تغییر بود در غرب همگرایی و انسجام شدت گرفته و نهادها تقویت می شدند بطوری که ناتو و بازار مشترک اروپا که بعدها نام اتحادیه اروپایی را به خود گرفت دامنه فعالیت خود را به شرق اروپا گسترش داده و به یارگیری از کشورهای پراختند که سال ها در پشت دیوار آهنین ناگزیر به تبعیت از سیاست های کرملین بودند.

عضویت این کشورها در ناتو و اتحادیه اروپا که در حقیقت به منزله حضور آمریکا و متحدانش در حیات خلوت روسیه بود عدم رضایت مسکو را در پی داشت. اعتراض و نارضایتی مسکو بیش از همه متوجه ناتو و گسترش آن به جمهوری های شوروی سابق می باشد ولی از آنجا که این کشورها مایل نبودند

# ایران و اتحادیه اروپا

ورود آنها به اتحادیه هموار شد. این دو کشور که سال ها حکومت استبدادی فرانکو و سالازار را تجربه کرده بودند به این ترتیب قدم به عصر جدیدی گذاردند.

در سال ۱۹۹۵ دروازه های اتحادیه اروپا به روی کشورهای فنلاند، اتریش و سوئد گشوده شده و این ۳ کشور که همواره سیاستی مستقل و غیر وابسته را پس از جنگ دوم جهانی و در دوران جنگ سرد پیش گرفته بودند با عضویت در اتحادیه ثابت کردند که مایل به پیش گرفتن سیاست همگرایی در قاره سبز هستند.

از سال ۱۹۹۵ که فنلاند، اتریش و سوئد به عضویت اتحادیه اروپا درآمدند تا چند روز پیش که ۱۰ کشور شرق اروپا که تعدادی از آنها سال ها بخشی از امپراتوری شوروی را تشکیل می دادند وارد این اتحادیه شدند تحولات بسیاری در اروپا به وقوع پیوست که از جمله آنها می توان به بحران یوگسلاوی و بالکان اشاره کرد که علاوه بر اروپا، جهان را به فکر واداشت.

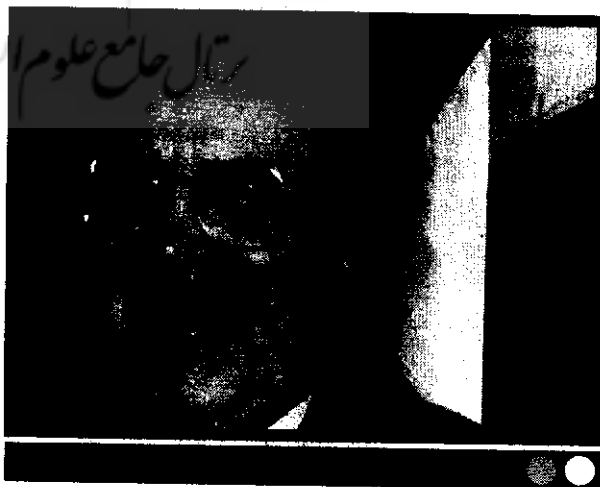
۱۰ کشور شرقی و مرکزی اروپا که از چند روز پیش به عضویت اتحادیه اروپا درآمدند شامل ایسلند، لتونی، لیتوانی، مالت، لهستان، اسلواکی، جمهوری چک، مجارستان و قبرس اسلوانی می شوند.

آنچه در اول ماه مه ۲۰۰۴ به وقوع پیوست در حقیقت پنجمین پذیرش اعضای جدید در طول حیات اتحادیه اروپا می باشد این مساله از نظر سیاسی بیش از جنبه های اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت می باشد به این دلیل که برای اولین بار کشورهای بلوک شرق سابق به عضویت این اتحادیه پذیرفته شدند.

البته پذیرش ۱۰ کشور مزبور به منزله بستن درهای اتحادیه اروپا به روی دیگر کشورها نیست بلکه قرار است در سال ۲۰۰۷ نیز بلغارستان و رومانی به جمع اعضای اتحادیه به پیوندند و کشورهای دیگری نظیر ترکیه نیز در حال آماده سازی خود برای حضور در اتحادیه هستند.

در سال ۱۹۵۱ کشورهای بلژیک، آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند و لوگزامبورک با تشکیل اتحادیه ذغال سنگ و فولاد اروپا سنگ بنای اولیه اتحادیه اروپا را ریختند.

آنها از مردم اروپا درخواست اشتراک ایده ها را کردند اما به دلیل نزاع شرق و غرب، روند اتحاد و یکپارچگی در غرب اروپا محدود ماند تا این که پرده



اگر چه ایران رابطه ای قدیم و طولانی با اتحادیه اروپایی که قبلاً جامعه اروپا و یا بازار مشترک اروپا نامیده می شد، دارد ولی بنا به دلایلی در سال های پس از پیروزی انقلاب این روابط همواره با فراز و نشیب همراه بوده است. در حالی که می توان به جرئت اعلام کرد که این اتحادیه مهم ترین و بزرگترین شریک تجاری ایران است ولی مسایل سیاسی از جمله حقوق بشر، فعالیت های هسته ای ایران و برخی اقداماتی که در داخل ایران صورت می گیرد بر روابط دو طرف سایه انداخته است.

ایران تلاش وسیعی را به عمل آورده تا لحن انتقادی اتحادیه را نسبت به